

## استقامت روزنامه نگاران افغان با نزدیک شدن خروج نیروهای بین المللی

نویسنده: باب دینتز

ژورنالیستهای داخلی افغانستان در سال ۲۰۱۴ با تهدیدهای زیادی مواجه خواهند بود. این در حالی است که افغانستان برای خروج نیروهای خارجی، کاهش سریع کمک های بین المللی، و انتخابات پرحاشیه ریاست جمهوری آمادگی میگیرد. با اینهم بسیاری از خبرنگاران نسبت به آینده خوشبین بوده و خوشبینی آنها نشان دهنده باورمندی قوی آنان برای ادامه پیشرفت و ترقی به آنچه که تا کنون به دست آمده است میباشد.

تهیه و گزارش اخبار در افغانستان نه تنها کار با مقامات دولتی، ارگان های نظامی، و دستگاههای امنیتی را نیاز دارد، بلکه لازم است با افراد زورمند محلی، چهره های با نفوذ قومی ای که میخواهند به قدرت برگردند، گروه های مسلح غیر قانونی به شمول ملیشه های محلی، افراد تندرو و افراطی (مذهبی) و گروه های جنایتگرایی که خود را با دزدی، اختناق و قاچاق اصلحه و مواد مخدر اکمال میکنند، کار نمود. هکذا می توان گفت که تمام بازیگران در عرصه سیاست از کابل تا ولایت ها مسؤول آزار و اذیت ژورنالیست ها هستند.

بسیاری از فرقه ها و گروه ها همدیگر را در سراسر افغانستان روزانه مورد حمله قرار میدهند، و در این میان مردم عام نیز مورد هدف حمله های تیروستی و طیاره های بیرون سرنشین قرار میگیرند. در شهرهای بزرگ ثبات نسبی وجود دارد اما بسیاری از شاهراه های که این شهر ها را بهم وصل مینماید مکان مناسب برای حمله های شورشیان، اختطاف گران و دزدان به شمار می روند.

در افغانستان شورشگران تحت فرماندهی واحدی عمل نمی کنند. در پشت صحنه رهبران سیاسی محلی که افغان ها آنها را "جنگ سالاران" میگویند برای به دست آوردن قدرت، جمع آوری صلاح و انکشاف خزانه جنگی فعالیت میکنند. گروه های قومی در شمال و غرب کشور با کمک کشورهای همسایه خود را دوباره مسلح میکنند. در جنوب و شرق کشور به نظر می رسد بعضی از دسته های طالبان برای گفتگوهای صلح اظهار آمادگی کرده اند اما سایر آنها بر ادامه جنگ تاکید می ورزند. برای چندین سال است که طالبان به دو گروه افغانی و پاکستانی تقسیم شده اند که اکثراً در تذاذ با همدیگر میباشد.

احمد رشید یکی از خبرنگاران سرشناس و پر طرف در منطقه و همچنان یکی از اعضای هیئت مدیره کمیته حمایت از روزنامه نگاران (CPJ) گفت: "من وقتی که با دیپلمات ها صحبت میکنم آنها تایید میکنند که امکان ندارد کسی پیشبینی کند که در افغانستان در آینده چی اتفاق خواهد افتاد."

اینکه خبرنگاران تا چه اندازه با اوضاع وخیم روبرو خواهند بود وابسته به انتخابات ریاست جمهوری در ۵ اپریل ۲۰۱۴ است، زمانیکه شخصی دیگری جای گزین حامد کرزی خواهد شد. حامد کرزی درحال به اتمام رساندن دومین و آخرین دوره ریاست جمهوری خود است. بسیاری از کاندیدان ریاست جمهوری همان جنگ سالارانی هستند که افغانها آزادانه از آن ها صحبت میکنند. اگر همه چیز مطابق پلان پیش برود در این رأی گیری افغانستان برای اولین بار قدرت را از یک رهبر منتخب به منتخب دیگر انتقال می دهد.

در حالیکه کشورهای عضو ناتو توجه خود را پیرامون نقش نیروهای بین المللی کمک به امنیت پس از ۲۰۱۴ متمرکز ساخته اند، چانس بقای هر نوع دموکراسی در افغانستان بیشتر وابسته به پروسه انتخابات خواهد بود نه به تعداد عساکر. کامیابی و موفقیت افغانستان وابسته به مشروع بودن انتخابات و همچنان بر اینکه آیا رئیس جمهور بعدی از مهارت های لازمه برای حل اختلافات برخوردار است، می باشد.

پیشبینی ها از آرامی موقتی تا حتی جنگ های داخلی در کشور صحبت میکنند، همانطوریکه این واقعه بعد از سقوط رژیم کمونیستی نجیب الله در سال ۱۹۹۲ اتفاق افتاد.

لطف الله نجفی زاده رئیس شبکه خبری تلویزیون طلوع که بزرگترین رسانه مستقل در کشور می باشد به CPJ در کابل گفت: "تقریباً تمام مردم نگران آن چیز های هستند که در ده سال اخیر به دست آورده اند."

به عنوان یک افغانی که ترک وطن را نپذیرفته نجفی زاده علاقه ای جدی به صلح دارد. "این جامعه به اندازه کافی رشد نموده است تا از ناپدید شدن یکشنبه تمام دست آورد ها جلوگیری نماید." نجفی زاده علاوه نمود "بعضی از پیشرفت ها غیر قابل بازگشت هستند. خشونت ها بعد از ۲۰۱۴ بدتر خواهد شد، اما حتی اگر ما شاهد برگشت طالبان هم باشیم، آن تکرار زمان رژیم سیاه آنها نخواهد بود. آزادی رسانه ها و مطبوعات به نقطه صفر بر نخواهد گشت."

نقطه صفر برای افغانستان پیش از ۱۱ سپتامبر بود وقتی که طالبان حکومت می کردند، زمانی که تمامی کشور فقط یک شبکه رادیویی صدای شریعه داشت که از آن به طور عمده برای منتشر نمودن فرمان های رسمی و اظهارات دینی استفاده می شد. شبکه تلویزیونی و رسانه های مستقل اصلاً وجود نداشتند. تا چندین سال افغانها برای گرفتن معلومات تکیه بر پخش رادیو موجهای کوتاه و یا ماهواره های غیرمجاز میکردند که با آن میتوانستند به شبکات خبری زیادی مانند بی بی سی و صدای امریکا دسترسی نمایند.

پیشرفت آنچنان بود که یک دهه بعد مرکز بین المللی کمک به رسانه ها (CIMA) در بنیاد ملی برای دموکراسی (NED) در باره ای "یک طغیان خبرها" در افغانستان گزارش دهد.

مطابق گزارش مرکز بین المللی کمک به رسانه ها در افغانستان فعلاً ۱۷۵ شبکه رادیویی، ۷۵ شبکه تلویزیونی، چهار اژانس خبری و صدها مطبوعات به شمول هفت روزنامه، کافی های اینترنت در شهرهای عمده و تیلیفون های همراه در دسترس نزدیک به نصف نفوس ۲۹ میلیونی افغانستان وجود دارد.

به قرار این گزارش "شهر های بزرگ افغانستان پر از رسانه ها شده است. کابل در همین حال دارای ۳۰ شبکه تلویزیونی و ۴۲ شبکه رادیویی است و شهرهای کوچک هر کدام دارای ۱۰ تا ۲۵ شبکه تلویزیونی و تقریباً ۲۰ شبکه رادیویی می باشد."

اما حالا روزنامه نگاران داخلی منتظر کاهش از طرف مستخدمان شان هستند. بعضی از مطبوعات و رسانه های افغانی یقیناً با قطع کمک های مالی پروگرام هایشان روبرو هستند، چون احتمال زیاد می رود

که ارگانهای خبری بین المللی شمار کارگران و مصارف خود را کاهش دهند همانطوریکه این کار را در عراق انجام گرفت.

\*\*\*\*\*

کمیته حمایت از روزنامه نگاران (CPJ) نظر ۱۵ روزنامه نگار افغانی را از پنج شهر مهم کشور بشمول کابل، قندهار، مزارشریف، هرات و جلال آباد در مورد آینده کشور جويا شد. ما به آنها وعده دادیم که نام آنها را افشا نکنیم تا آنها بتوانند با آزادی کامل در باره چگونگی رسانه ها در کشور شان صحبت نمایند. نتیجه ارزیابی نظرات آنها مختلف بود، اما ما به یک چشم انداز مثبت دست پیدا کردیم، مخصوصاً از طرف مردان. بعضی از پاسخگویان تنها برای رسانه های دولتی کار میکردند، و سایر آنها مستخدمان داخلی و خارجی داشتند.

در قندهار که منطقه مرکزی و حیاتی طالبان است با وجود اینکه شمار روزنامه نگاران در آنجا روز به روز کم میشود، آنها هنوز هم دارای هویت عالی و یک سازمان حرفه یی میباشند. یک گزارشگر به ما گفت که گرچه اخطار های طالبان هنوز هم مشکلاتی را ایجاد می کند، اما نهایتاً "انتقال مسولیت امنیتی برای ما صاف و روان خواهد بود." وی گفت که خروج نیروهای خارجی و کاهش کمک ها از کمک دهندگان بین المللی شاید اثر اقتصادی برای تمام تجارات خواهد داشت، اما امکان آن می رود که شبکه تلویزیونی منطوقی وی هنوز هم پابرجا بماند.

این گزارشگر تلویزیونی گفت که به طور عموم شمار روزنامه نگاران پایین آمده است "مخصوصاً کسانی که برای رسانه های بین المللی کار میکنند." اما وی اضافه نمود "شخصاً خودم خوشبین سال ۲۰۱۴ هستم."

در زابل، ولایت همسایه قندهار، یک گزارشگر برای یک اژانس خبری افغان گفت که نسبت به طالبان خود دولت مشکل بزرگتر برای روزنامه نگاران است، نظریه ای که سایر افراد نیز ابراز میکنند. این گزارشگر گفت که او یکبار در سال ۲۰۱۱ برای گزارش دادن در باره یک مامور دولت که از مردم رشوت میخواست بازداشت شد.

این گزارشگر گفت "من را اول اخطار دادند و بعداً با نزدیکان همان ماموری که من درباره او نوشته بودم بازداشت شدم. من باید اقرار کنم که طالبان تا به حال ما را به خاطر کارهای خبرنگاری ما اخطار نداده اند بلکه زمانیکه یک واقعه رخ میدهد آنها به سوالات ما بسیار به زودی پاسخ میدهند. البته آنها از ما میخواهند که رویدادها را از نگاه آنها بنویسیم."

به شمال کشور در ولایت نسبتاً آرام بلخ زنی که سرپرستی یک شبکه رادیویی را در آنجا به عهده دارد گفت که او و کارمندانها که اکثراً زن ها میباشد مواجه با مشکلات زیادی هستند اما خروج نیروهای خارجی در اولویت لست نگرانی آنها نیست. وی گفت "مشکل بزرگ در رسانه های ما کمبود آموزش روزنامه نگاران به شکل حرفوی و همچنان نبود وظیفه است."

وی علاوه نمود، "عموماً روزنامه نگار بودن در افغانستان مشکل مییابد اما یک روزنامه نگار زن بودن خطرناکتر است. مقامات دولت، اشخاص ناشناس و حتی بعضی اعضای خانواده ها خانم ها را پی در پی اخطار و آزار میدهند که این وضع کار کردن دختران در رسانه هارا بسيا دشوار میکند. با اینکه بسیار مهم است که ما گزارشگران زن داشته باشیم تا بتوانیم مشکلات که زن های افغان در این کشور روبرو هستند را به درستی گزارش بدهیم."

چی در کشور جنگ باشد یا خیر روزنامه نگاران زن در افغانستان از نگاه امنیت بصورت جمعی با چالش ها و نگرانی های پیچیده ای زیادی روبرو هستند. در یک مصاحبه با CPJ در کابل در جولای ۲۰۱۳، شفیه حبیبی، رئیسه انجمن زنان ژورنالیست افغانستان گفت که از ۲۳۰۰ روزنامه نگار زن تقریباً ۳۰۰ نفر آنها به دلیل نگرانی امنیت شخصی شان وظیفه خبر دهی خود را ترک کرده اند.

علاوه بر اخطار های مستقیم شبه نظامیان مذهبی، بسیاری از زن ها با فشارهای زیادی از طرف خانواده شان روبرو هستند که براین اساس مجبور به ترک وظیفه می گردند. بزرگان خانواده ها یا به خاطر ترس از واکنشهای اقوام نزدیک و یا بخاطر امکان خطر از طرف طلبان میخواهند که زن ها سیمای اجتماعی خود را کمرنگ نمایند. حبیبی میگوید که این روند در حال افزایش است.

\*\*\*\*\*

عموماً تعداد اندک از کسانی که CPJ با آنها مصاحبه کرده است به خاطر مشکلات ناشی از تحولات سیاسی و انتقال مسوولیت های امنیتی پیشرو خواهان ترک وظیفه شان هستند. عده ای دیگر آنها آماده ترک و فرار نیستند، حتی اگر اوضاع کشور وخیم شود، خشونت افزایش یابد و یا جنگ تشدید گردد.

در سال ۲۰۱۲ افغانستان با آمار ۲,۶ میلیون مهاجر که از طرف کمیساریای عالی پناهندگان (UNHCR) ارائه گردید به عنوان بزرگترین منبع پناهندگان در دنیا شناخته شد که کمتر از بیش از سه میلیون از سال ۲۰۱۱ بود. اما تحقیقات CPJ نشان میدهد که به آن اندازه روزنامه نگاران مهاجر که بخواهند کشور را ترک نمایند زیاد نشده است. در سالهای اخیر شمار آمار درخواست پناهندگی که به دسترس پروگرام حمایتی از روزنامه نگاران ما قرار گرفته است کمتر از ده مورد بوده است.

اگر بحران حوادث بعد از انتخابات افزایش یابد، ممکن است بعضی روزنامه نگاران تصمیم بگیرند که قریه جات را به قصد عزیمت به پایتخت (کابل) ترک گویند چرا که کابل با جمعیت بالغ بر ۳ میلیون از امنیت نسبی برخوردار است و مکان مناسب برای پنهان شدن از انزار عمومی بشمار میرود.

دیگران، خصوصاً روزنامه نگاران افغانی که برای رسانه های بین المللی کار میکنند، ممکن است کشور شان را به قصد کشور های همسایه مانند پاکستان ترک نمایند و یا بعضی دیگر ممکن است که آسیا را به صورت کامل ترک کنند. بسیاری از مستخدمان خارجی، نه تمامی آنها، به یک اندازه خطر را قبول نموده و مسولیت انتقال برخی از ژورنالیست های داخلی را به خارج از کشور قبول میکنند.

تحقیق CPJ نشان میدهد که بعد از سه تا شش ماه شرایط خطرناک بیشترین کشورها تا اندازه کافی بهبود یافته است و زمینه بازگشت مردم به وطن فراهم شده است. اگرچه درخواست پناهنده گی یک راه حل

ایده ال به نظر میرسد، اکثراً این کار برای روزنامه نگاران که در خطر هستند بسیار دشوار و دردآور میباشد.

CPJ از روزنامه نگارانی که در خطر هستند درخواست می کند که تا حد ممکن در کشور خود پناهگاه پیدا کنند. این سازمان شاهد زن ها و مردهای شایسته و لایق زیادی بوده که کشورشان را ترک کرده و در خارج رفته اند که در آنجا با مشکلات زیادی روبرو شده اند. در این صورت دانش و مهارت های آنها که در جامعه خودشان بی نهایت کمیاب است، در جایی دیگر بی ارزش میشود. و بدتر این که کشورهای در حال توسعه مانند افغانستان نمی توانند از عهده ضیاع و فرار مغزهای عالی به این شکل بربایند.

در شرایط صلح، مثل شرایط جنگ، چیزی واضح آن است که بدون روزنامه نگاران داخلی شرکتهای رسانه یی برای جمع آوری خبرها با فشار زیادی مواجه میشوند. در سال ۲۰۱۰ CPJ پیشبینی کرد که: "ما میتوانیم انتظار داشته باشیم که اخبار محلی توسط گزارشگران محلی جمع آوری گردد. گزارشگران افغان ثابت کرده اند که از توانایی، مهارت، اعتبار و شجاعت لازم برخوردار بوده و آمده هستند جاهای بروند که اژانس های خبر خارجی حاضر نیستند جانهای ژورنالیستهای خود را به خطر بیاندازند." این پیش بینی تا حدود زیادی درست ثابت شده است. این در حالیست که در طی حوادث اخیر ۲۰۱۴ شاید رسانه های خارجی زیادی در افغانستان موقتاً برگردند ولی در دراز مدت این روز نامه نگاران افغان خواهند بود که اخبار را پوشش دهند.

لیویا ارورش-هی گنز با تهیه نمودن این مقاله همکاری نموده است.

باب دبیتز، گرداننده پروگرام آسیا در سی پی جی از سر تا سر قاره برای رسانه های چون سی ان ان و هفته آسیا گزارشی کرده است. نامبرده رهبری مأموریت ها متعدد CPJ را به شمول افغانستان، پاکستان، و فلیپین به عهده گرفته است.